

آشنایی با استادکاران معماری سنتی ایران

بهرام قدیری

مشکلی که در گذشته برای تنظیم آثار و زندگینامه استادکاران و هنرمندان معماری ایران وجود داشت، باز هم در این مصاحبه بروز کرد. زیرا حافظه استاد اصغر نیز در ذکر فهرست جملگی آثار به جا مانده از پدرش و ویژگی‌های او، یاری نمی‌نمود. لذا تنها به آنچه در یاد و خاطره داشت، اکتفا می‌کرد. از همین رو، به استاد گفتارهای صادقانه فرزند استاد و مقاله‌ای که در پاییز سال ۱۳۶۵ در شماره دوازدهم فصلنامه هنر تحت عنوان "با استاد محمد شهرباف، معمار سنتی، در انتظار ضربه دری و سلامی" انتشار یافته بود، این نوشتار آماده شد.

در این جا بر خود فرض می‌دانم از استاد اصغر شهرباف تشکر و قدردانی کنم و امیدوارم در آینده فرصتی فراهم گردد تا زندگانی و فهرست آثار ایشان را نیز تدوین نموده و در دسترس علاقمندان قرار دهم. از آقای مهندس نریمان فرحزاد نیز به خاطر زحماتی که برای تهیه عکس‌های این گزارش کشیده‌اند، صمیمانه تشکر می‌نمایم.

پیشگفتار:

جهت تدوین زندگینامه استادکاران معماری سنتی ایران که متأسفانه اکثراً نیز در گمنامی بسر می‌برند، مراجعه به محضر استاد محمد شهرباف را از مدت‌ها قبل در دستور کار قرار داده بودم. منتهی بیماری و به دنبال آن بستری شدن ایشان در بیمارستان، این توفیق را از نگارنده سلب نمود و در کمال حسرت، این دردانه هنر مقرنس، در اثر بیماری به سرای باقی شتافتند.

با عنایت به این که یکی از فرزندان خلف ایشان به نام استاد اصغر شهرباف، میراث حرفه‌ای پدر و اجداد خود را به حق پاس نهاده و از ده سالگی اصول و رموز معماری سنتی را در محضر پدر به علم حضوری و حصولی توأمآ دریافته است، لذا در تاریخ سه‌شنبه بیست و چهارم مرداد ماه ۱۳۷۴ مصادف با میلاد حضرت رسول (ص) به محضر ایشان رقتم و مقاله حاضر، حاصل مصاحبه با فرزند بزرگوار این استاد است.





استاد اصغر غلامعلی شهرباف فرزند استاد محمد غلامعلی شهرباف که هم اینک یکی از استادکاران معماری سنتی ایران محسوب می‌شوند.

گره هشت و دوازده

۱- زندگی خصوصی :

استاد محمد غلامعلی شهرباف که در خرداد ماه سال ۱۳۷۴ و در سن ۱۰۲ سالگی فوت کرده‌اند، در محله مولوی تهران، بازارچه بهشتی، کوچه خانان و در خانواده‌ای که سابقه طولانی خدمت به معماری سنتی داشتند، دیده به جهان گشودند. جد ایشان، استاد اکبر شهرباف از استادکاران معماری سنتی و ساکن کاشان بوده‌اند. پدر استاد محمد، استاد عباس شهرباف معروف به حاج عباس پی‌بند نیز با این که در

کاشان به دنیا آمده بودند، ولی بیشتر در تهران کار کرده‌اند. کاروانسرای گلشن در خیابان سیروس تهران که هنوز هم پابرجاست، از آثار ایشان به شمار می‌رود. استاد عباس، در کاروانسراسازی، مقرنس‌سازی و رسمی‌سازی سرآمد زمانه خود بودند. ایشان نه دختر و تنها یک پسر داشتند. محمد، فرزند دوم استاد عباس بودند.

محمد که معماری را نزد پدرش فرا گرفته بودند، در جوانی به ورزش باستانی روی آورده و به تدریج یکی از پهلوانان پایتخت می‌شوند. او همدوره پهلوانان بنامی، همچون حاج خرده فروش، آسید حسین رزاق و حاج محمدصادق بلور فروش بوده

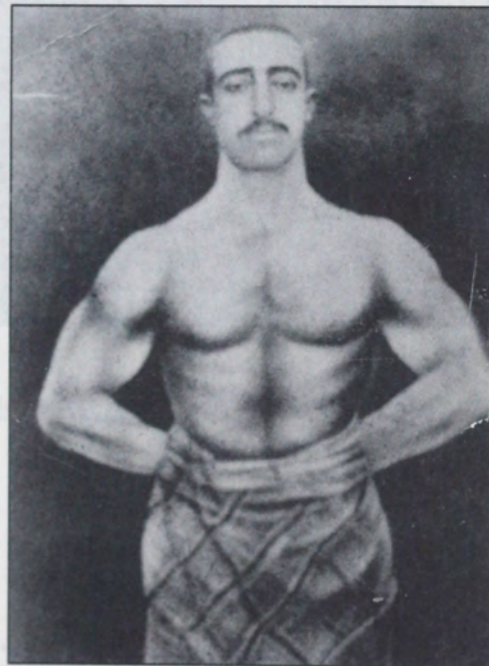


حاج عباس پیری، پدر استاد محمد غلامعلی شعرباف که خود از استادکاران معماری سنتی بوده است.

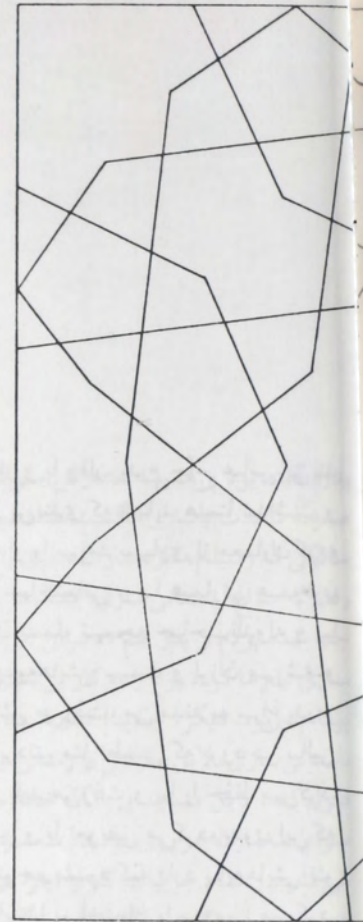
۲- زندگی حرفه‌ای:

آموزش در نظام معماری سنتی ایران تحت تاثیر آیین‌های فتوت، از سلسله مراتب استاد - شاگردی تبعیت می‌نموده است. در چنین نظامی، محمد شعرباف از دوران کودکی نزد پدرش، وارد جرگه و شغل بنایی می‌شوند. و به لحاظ تخصص پدری، گرچه به ساختمان سازی روی می‌آورند ولی به مقرنس سازی گرایش بیشتری پیدا می‌کنند. ایشان حدود نود و دو سال در رشته معماری به فعالیت

استاد در سن پانزده سالگی ازدواج کردند. همسر ایشان در مقطع ازدواج نه ساله و اهل تهران بودند. درست بیست روز پس از فوت استاد، ایشان نیز تحمل غیبت استاد را نکرده و به سرای باقی شتافتند. حاصل این ازدواج پنج پسر و پنج دختر بود. از این فرزندان، بیست و چهار نوه به جا مانده است. تنها یکی از پسران استاد، شغل پدر را به عنوان سومین نسل از معماران سنتی این خانواده، تداوم می‌بخشد و بقیه جملگی در بازار به کار تجارت اشتغال دارند.



استاد محمد غلامعلی شعرباف در جوانی و در کسوت پهلوانی.



اثر استاد اصغر غلامعلی شعرباف

است. استاد محمد که از اوان جوانی به زورخانه میدان مولوی می‌رفتند تا اواخر عمر نیز عادت رفتن به زورخانه را ترک نگفتند، و کشتی و فنون رزمی از جمله سرگرمی‌ها و تفریحات ایشان به شمار می‌رفته است.

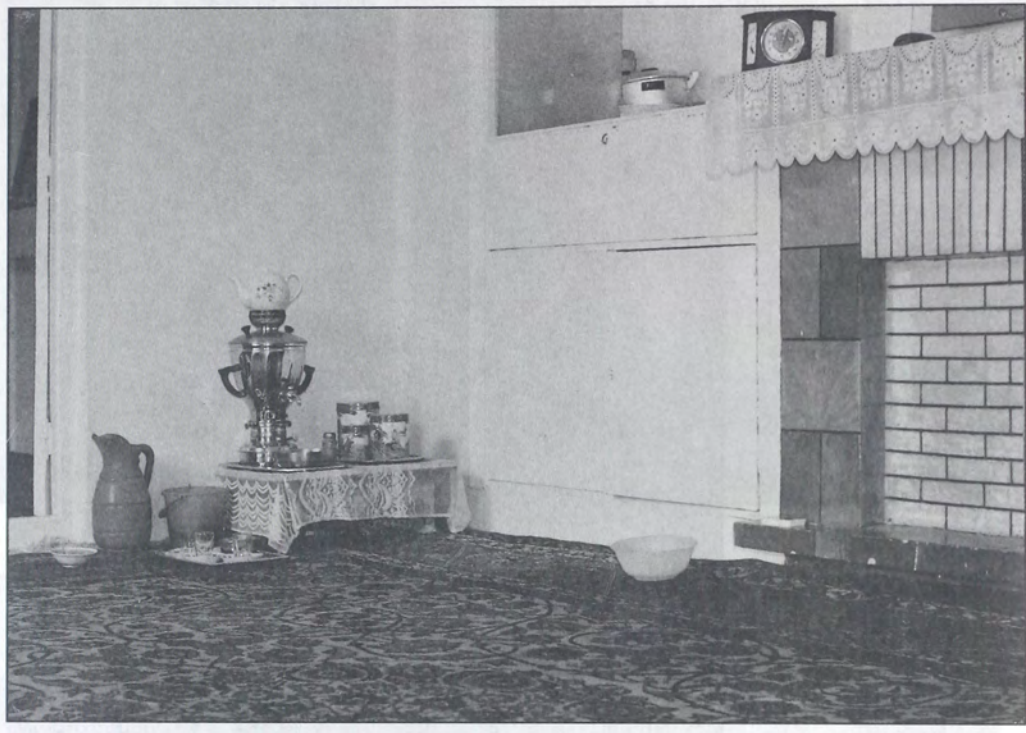


منزل مسکونی استاد محمد غلامعلی شعرباف در تهران میدان محمدیه - کوچه مشاور - کوچه وثوق.

در مصاحبه سال ۱۳۶۵ فصلنامه هنر، استاد محمد شعرباف، مراحل آموزش خود را چنین بیان می‌دارند: «انگار همین چند روز پیش بود که شاگردی پدر را می‌کردم. ابزار را برمی‌داشتم و راه می‌افتادم به دنبال پدر که چند قدم جلوتر از من حرکت می‌کرد؛ با آن قامت بلندی که درست برای من مثل کوه بود. مثل

می‌پردازند. برای رسیدن به مرتبه استادی مراحل زیر را طی کرده‌اند: شاگردی، بندکشی، خشت زنی، پای‌گری، پوشش‌گری، روکار، پوشش‌خندون، رسمی‌سازی، کاسه‌سازی، یزدی‌بندی و مقرنس. جالب توجه این است که در تمامی طی مراحل آموزش، تنها استاد ایشان، پدرشان بوده‌اند.

کوه، بلند، استوار و با وقار. پدرم حاج عباس پی‌بند بود. حاج عباس پی‌بندی که شاید هم‌تا نداشت و همین پی‌بستن، او را سرآمد بسیاری از معماران کرده بود. وقتی که ساختمانی و یا عمارتی همچون عمارت جهان‌نما، تیمچه حاج‌الدوله و یا شمس‌العماره، پایه‌هایش سست و لرزان می‌شد و احتمال فرو ریزش می‌رفت، می‌آمدند به سراغ پدر و او را با خود می‌بردند. مثل طبیعی که برود بر بالین بیمار محتضری؛ باید می‌رفت و بنا را حفظ می‌کرد. پایه‌هایش را تعمیر و یا تعویض می‌کرد، بدون این که خود عمارت متوجه بشود که دارد پایه‌هایش نو می‌شود. پدر، ابتدا ساختمان را بررسی می‌کرد. جوانب کار را در نظر می‌گرفت و بعد زیر تنه سنگین و بخواب رفته بنا، پایه و شمع می‌زد و با مهارتی که شایسته‌اش بود شروع می‌کرد به تعویض پایه‌های سست و بیمار..... وقتی که کار با پدر را شروع کردم، سنم چیزی در حدود ده - دوازده سال بود. قبل از آن برای مدتی به مکتب می‌رفتم. مکتب خانه‌ای در میدان شاه سابق. چند سالی که رفتم، پدر دیگر رضایت نداد. میل داشت تا کنار دست خودش باشم و من باید که کیف و کتاب را کنار می‌گذاشتم و به عوض درس و مشق، مکتب، درس و مشق معماری می‌کردم. درس و کتابم، شده بود مکتب پدر.... در هر فرصتی شروع می‌کردم به کشیدن نقشه بر روی زمین.



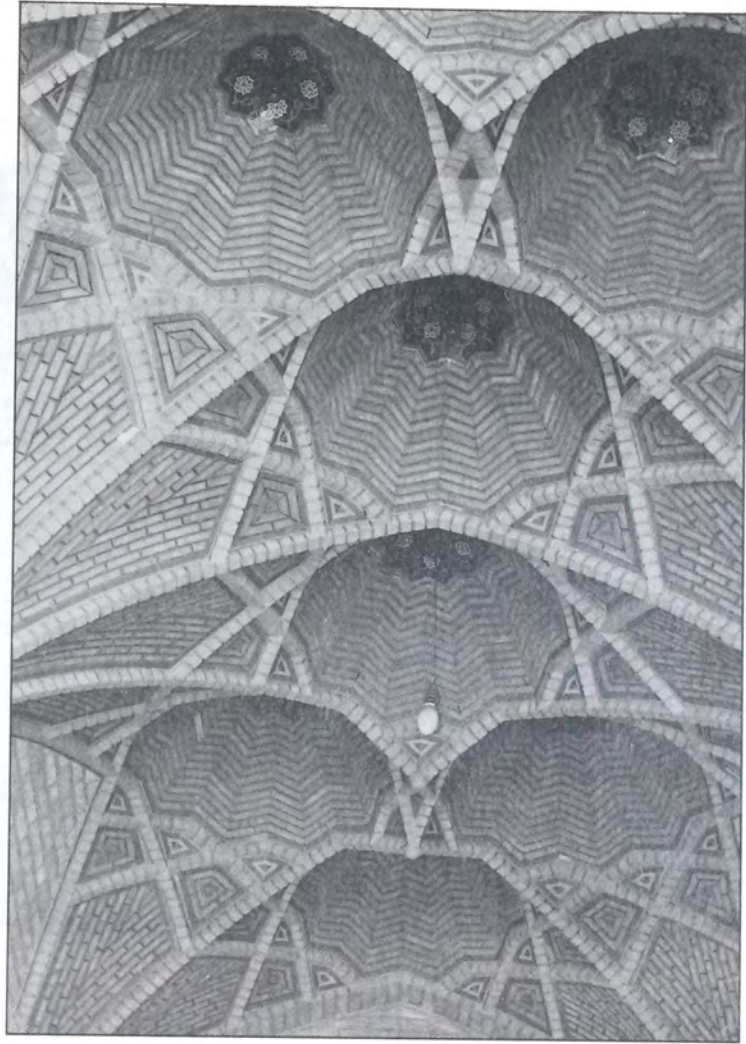
اطاق محل سکونت استاد محمد غلامعلی شعرباف که وسایل آن به همان شکلی است که مورد استفاده استاد قرار می گرفته اند.

پدرم گفته بود و همیشه سفارش می کرد که زمین، صفحه کاغذت باشد و انگشت مداد به سن چهل سالگی که رسیدم، کار عمارت سازی را کنار گذاشتم و رفتم به سراغ باستانی سازی. مدت ها بود که از پدر جدا شده بودم و پدر هم ده سالی می شد که عمارت سازی را رها کرده بود و به کار پی بندی و بخیه دوزی پرداخته بود. دیگر، چکیده کار شده بودم و لایق باستانی سازی، لایق مقرنس و رسمی و شاید اگر خدا قبول کند، لایق مسجد و بارگاه خدا. معماران قدیم، سوای معماران امروزی بودند. معمار باید نقشه را می کشید و تمام جزئیات کار را اجرا می کرد. کارهایی همچون سفت کاری، کاشی کاری، گچ کاری و یا هنر کار دیگری. رشته های مختلف معماری از هم جدا نبود و من تمام این کارها را کرده بودم. پدر، همه چیز به من آموخته بود کار را آسان نمی گرفتم. سبک و سنگینش می کردم. نقشه اش را می کشیدم و با فکرش مدت ها زندگی می کردم.....»

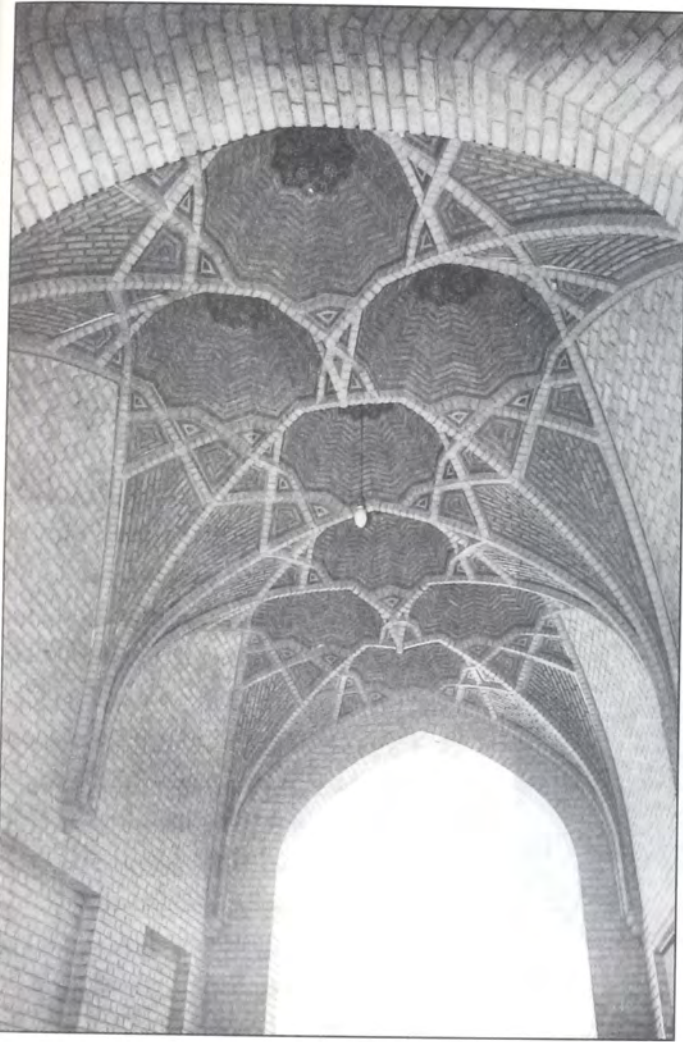
استاد شعرباف در مقرنس، رسمی بندی، یزدی بندی، کاربندی، کاسه سازی و گره چینی تخصص وافر داشتند. در تهران، کرمان، شیراز، کرمانشاه، قم، کاشان، شهرری و نیشابور کار کردند و آثار ارزشمندی از خود به جا گذاشتند. حدود سه سال در سوریه کار کردند. حدود ۳۸-۳۷ بار به قصد کار و زیارت به کربلا رفتند. چهار بار تنها به قصد زیارت به

- مگه معظمه مشرف شدند.
- شاکردانی که در محضر ایشان آموزش دیده اند، عبارتند از:
- حسن کوچکه که مسجد عین الدوله را ساخته و در اوایل شهریور سال ۱۳۷۴ فوت کرده اند.
- اوس تقی ننه قروم که ساختمان سابق شهرداری مکه معظمه مشرف شدند.
- تهران واقع در میدان امام خمینی (ره) را ساخته اند.
- استاد اصغر شعرباف (پسر استاد) که از ده سالگی نزد پدر آموزش دیده و هم اکنون در سازمان میراث فرهنگی کشور مشغول به کار هستند.
- حاجی تقی نشاسته ای.

تصویر شماره (۱)



تصویر شماره (۲)



رسمی بندی (رسمی کاری):

- تصویر (۱) - ورودی جنوبی (رو به جنوب) مسجد امام حسین
تهران.
- تصویر (۲) - ورودی جنوبی (رو به شمال) مسجد امام حسین
تهران.
- تصویر (۳) - ایوان غربی مسجد امام حسین (ع) تهران.
- تصویر (۴) - طاق ورودی شرقی مسجد امام حسین (ع) تهران.
- تصویر (۵) - ایوان جنوبی و محراب مسجد امام حسین (ع) تهران.
- تصویر (۶) - ایوان شرقی مسجد امام حسین (ع) تهران.

- مسجد اعظم قم.

- مسجد امام حسین (ع) تهران واقع در میدان امام حسین.

- مسجد لرزاده تهران واقع در میدان خراسان.

- محراب و سه ایوان مسجد امام حسین (ع) تهران واقع در اتوبان بعثت.

- حوضخانه و محراب مسجد امیرالمومنین تهران.

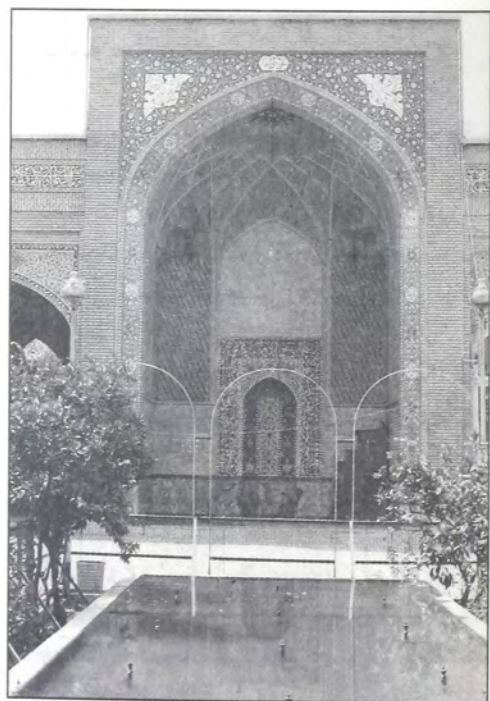
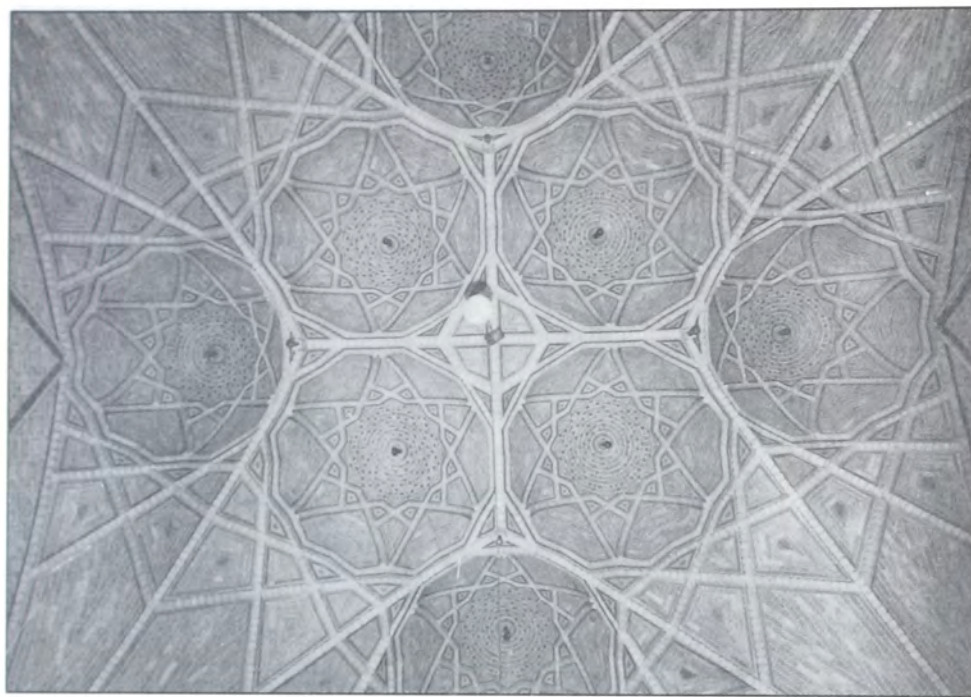
۳- فهرست آثار:

همانگونه که قبلاً اشاره شد، دستیابی به فهرست دقیق آثار معماران سنتی، به دلایل خاصی، کار بسیار دشواری است. فهرست زیر تنها بخشی از آثار ایشان را در برمی گیرد. به این امید که این اقدام زمینه ساز تدوین فهرست کاملی از آثار این هنرمند گردد.

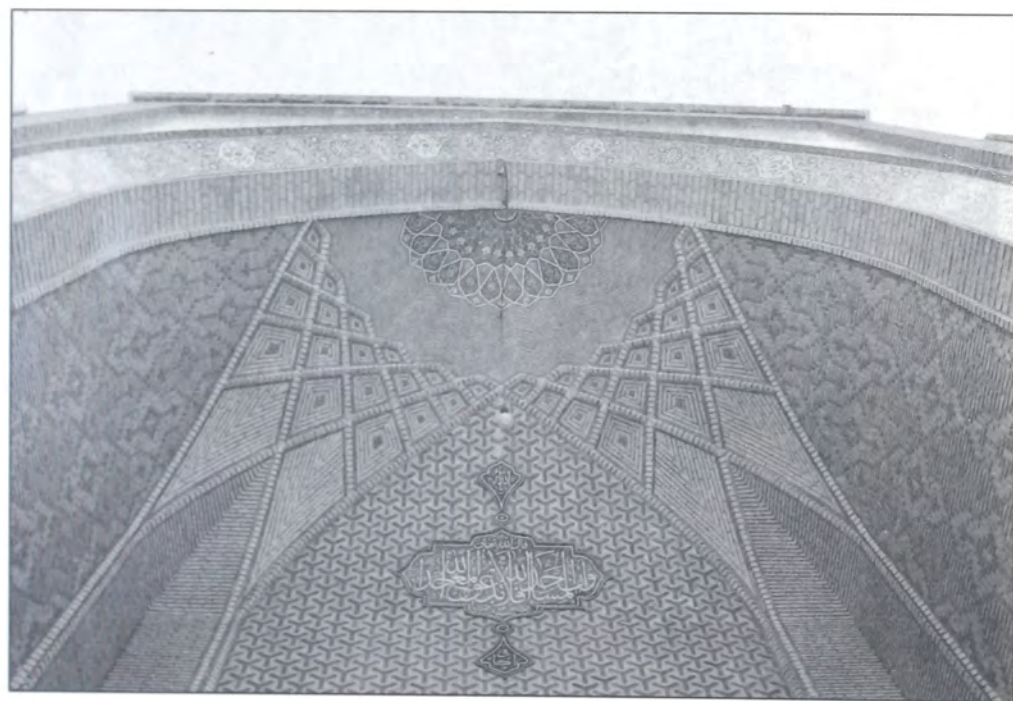
تصویر شماره (۳)



تصویر شماره (۴)

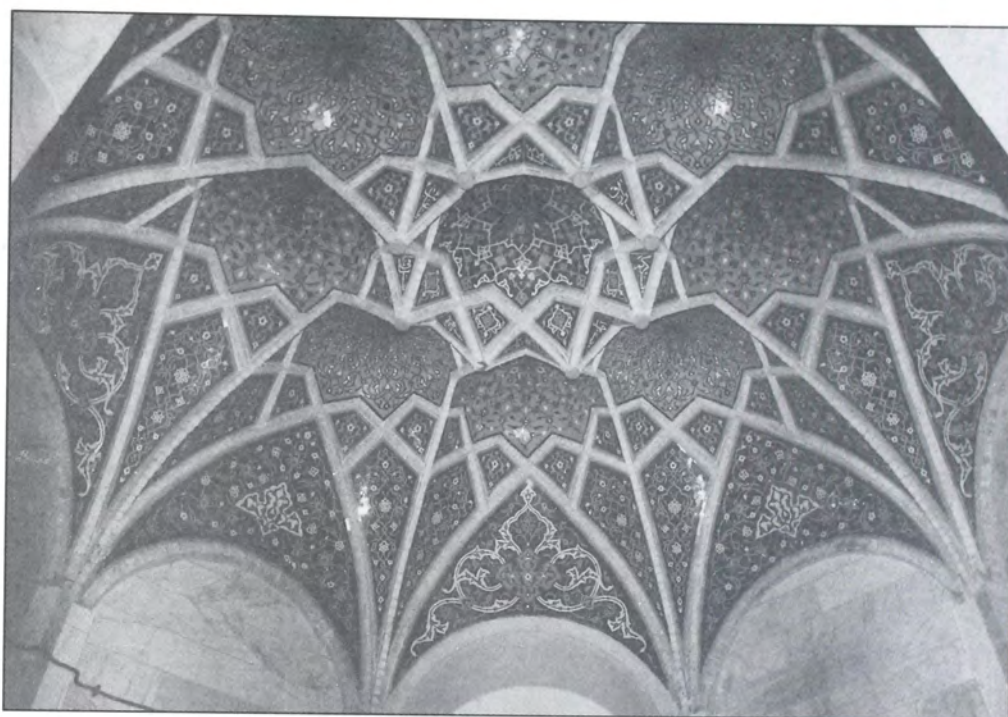


تصویر شماره (۵)



تصویر شماره (۶)

تصویر شماره (۱)



کاسه سازی :

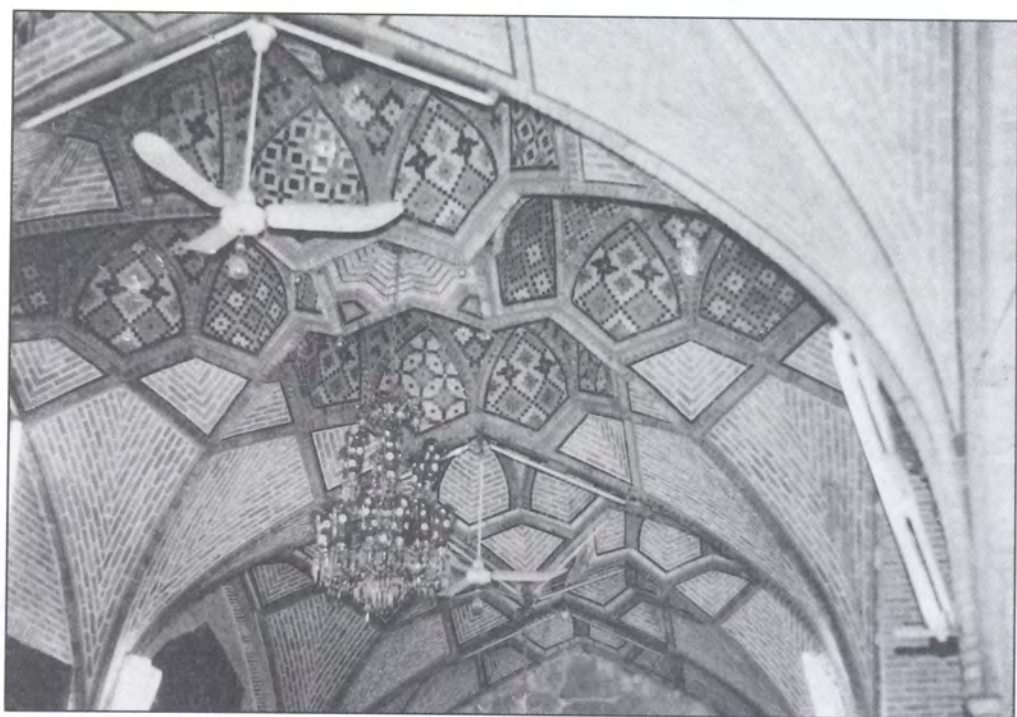
- سردر ورودی مسجد امیرالمومنین تهران واقع در خیابان کارگر شمالی خیابان فرصت.
- مسجد لرزاده تهران واقع در میدان خراسان.
- مسجدی در کرمانشاه واقع در چهارراه شیخ هادی.
- هشتی مسجد امام حسین (ع) تهران واقع در اتوبان بعثت.

یزدی بندی (یزدی کاری) :

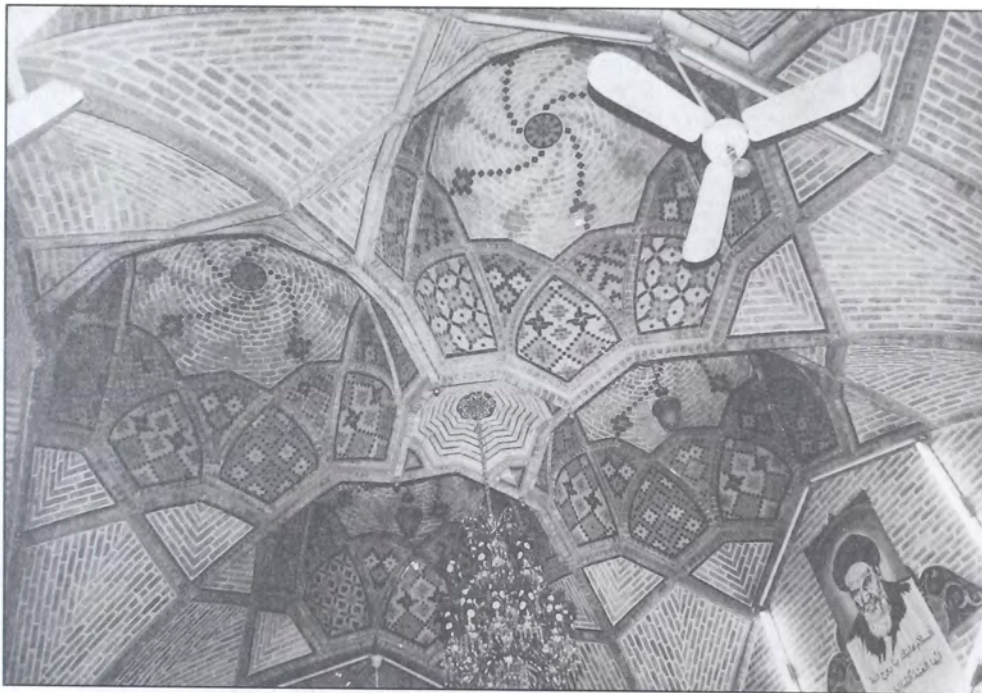
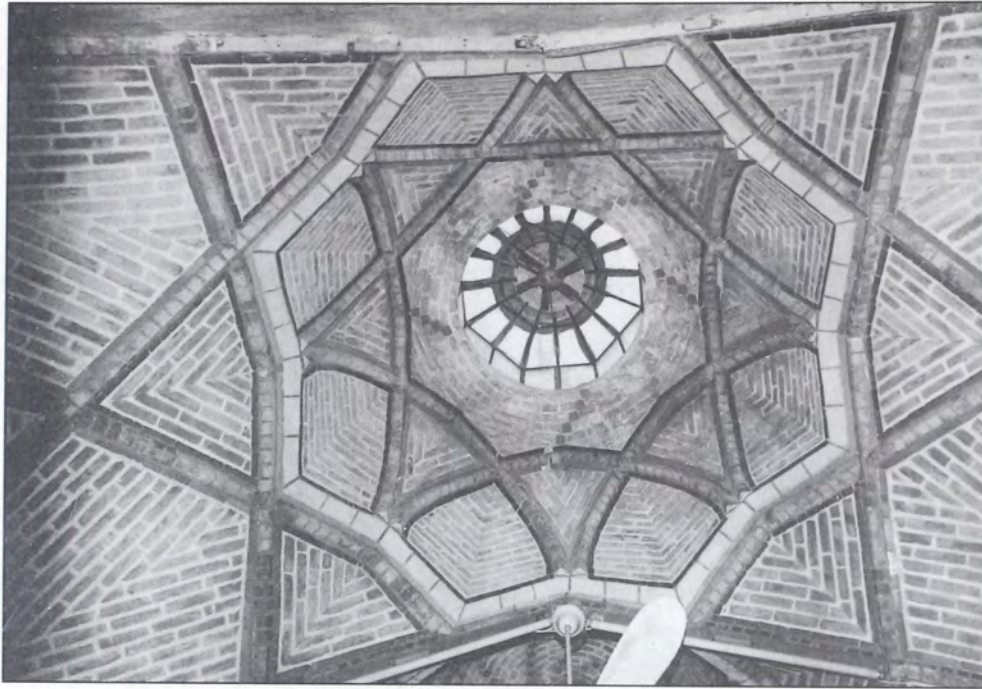
- سردر آب انباری در کاشان.

گچ کاری :

- چهلستون مسجد شهید مطهری تهران (نام استاد در این محل مضبوط است).



تصویر شماره (۲)



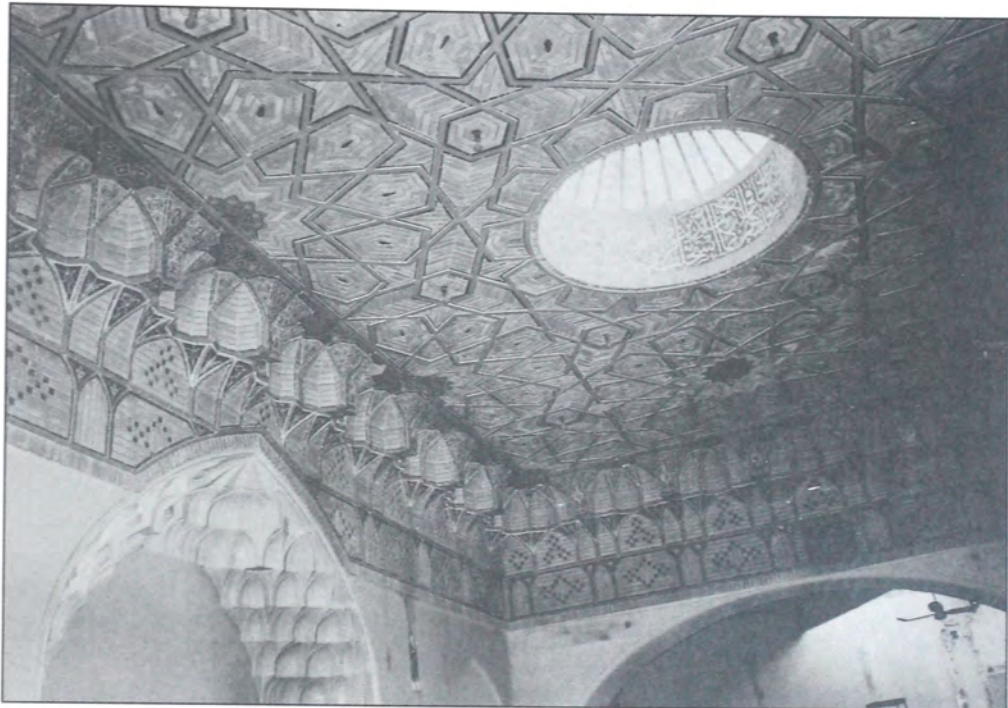
تصویر (۱) - کاسه‌سازی‌های ورودی مسجد فخریه، امپریه بالاتراز میدان منیریه.

تصویر (۲) - کاسه سازی‌های سقف مسجد لرزاده.

تصویر (۳) - کاسه سازی و نورگیر. سقف یکی از دهانه‌های مسجد لرزاده.

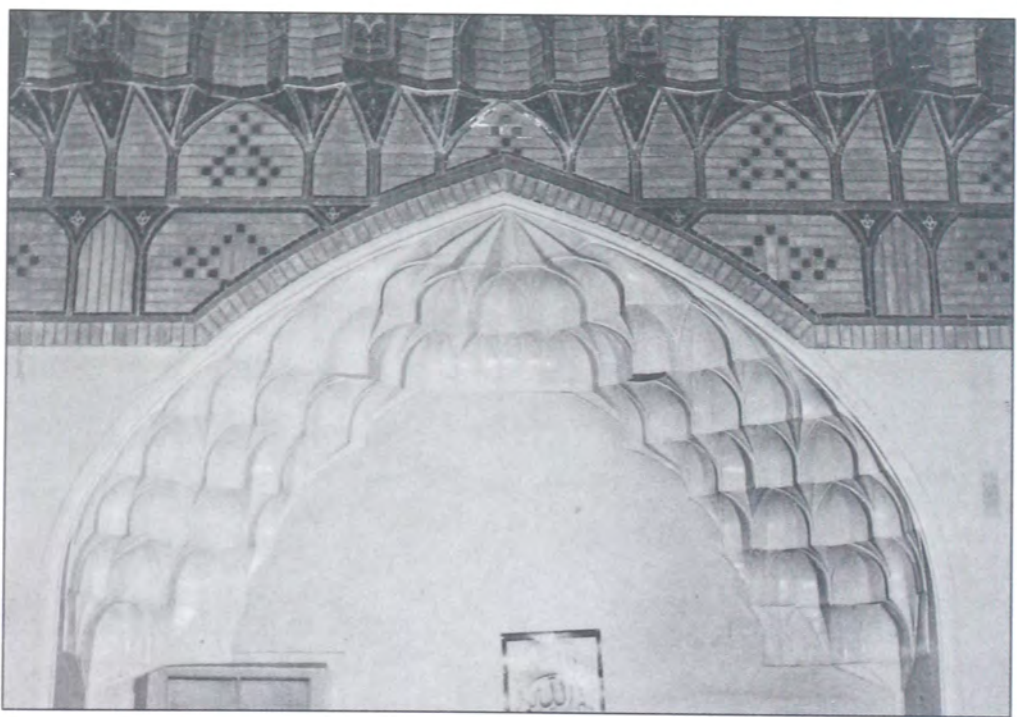
تصویر (۴) - کاسه سازی سقف شبستان مسجد لرزاده.

تصویر شماره (۱)

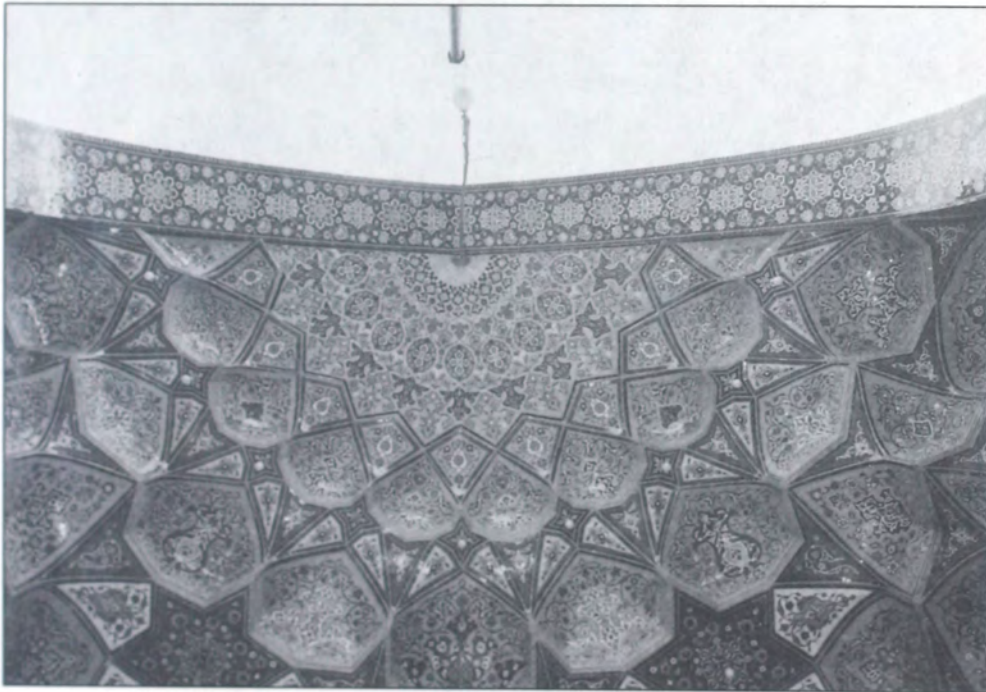
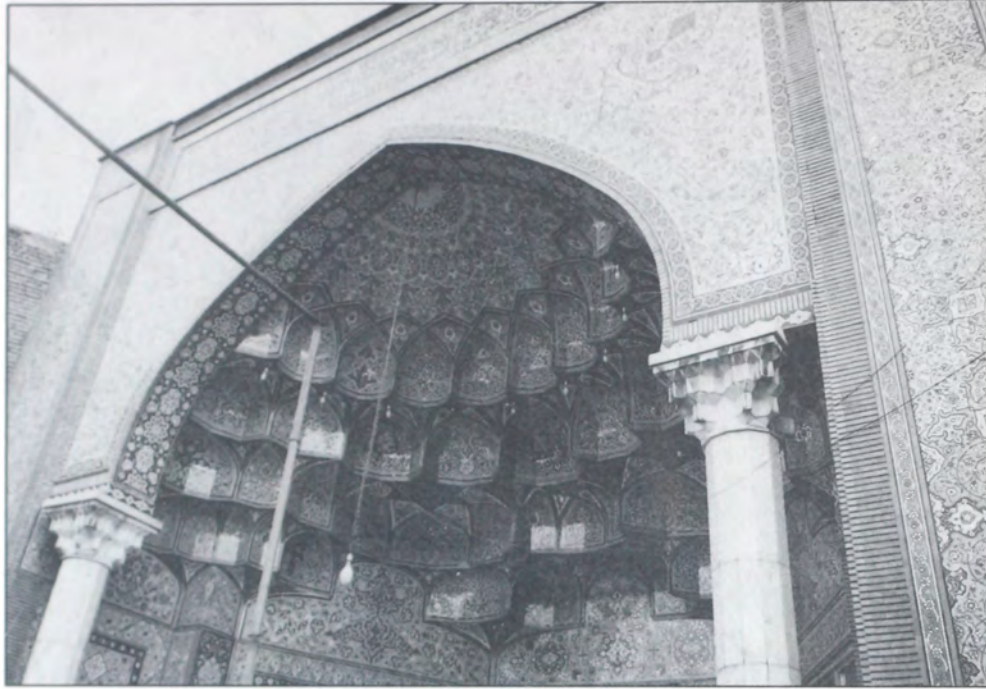


مقرنس سازی :

- بانک بازرگانی سابق (تجارت فعلی) واقع در میدان امام خمینی تهران.
- سردر مدرسه دارالفنون تهران.
- مدرسه زرتشتیان (انوشیروان دادگر) تهران.
- مدرسه اعظم قم.
- ایوان و محراب مسجد امیرالمومنین تهران واقع در خیابان کارگر شمالی، خیابان فرصت.
- مسجد فخریه تهران واقع در خیابان امیریه.
- گلدسته‌های حرم مطهر حضرت زینب در سوریه.
- محراب مدرسه آقا بزرگ کاشان.
- محراب مسجد مطهری تهران.
- مسجد میرزا جعفر کاشان.



تصویر شماره (۲)



تصویر (۱) - سقف شبستان پشتی مسجد لرزاده.

تصویر (۲) - مقرنس بالای طاقنمای شرقی مجاور حیاط مسجد لرزاده.

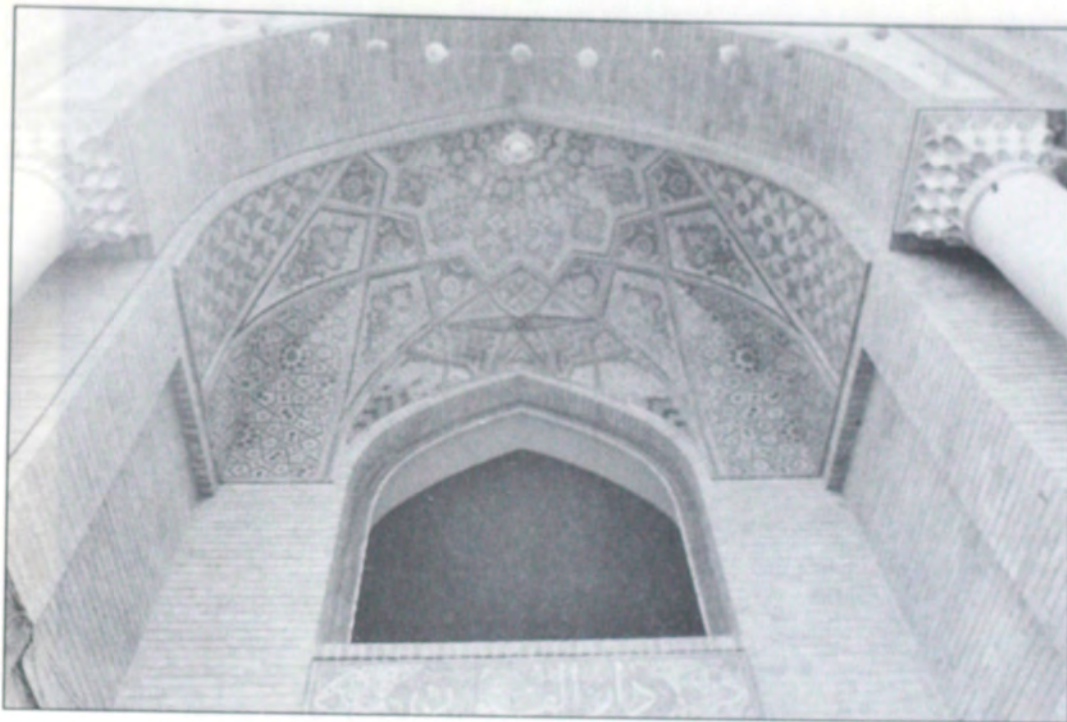
تصویر (۳) - ایوان اصلی مسجد امیرالمومنین (ع) خیابان نصرت.

تصویر (۴) - ایوان اصلی مسجد امیرالمومنین (ع) خیابان نصرت.

تصویر شماره (۲)



تصویر شماره (۱)



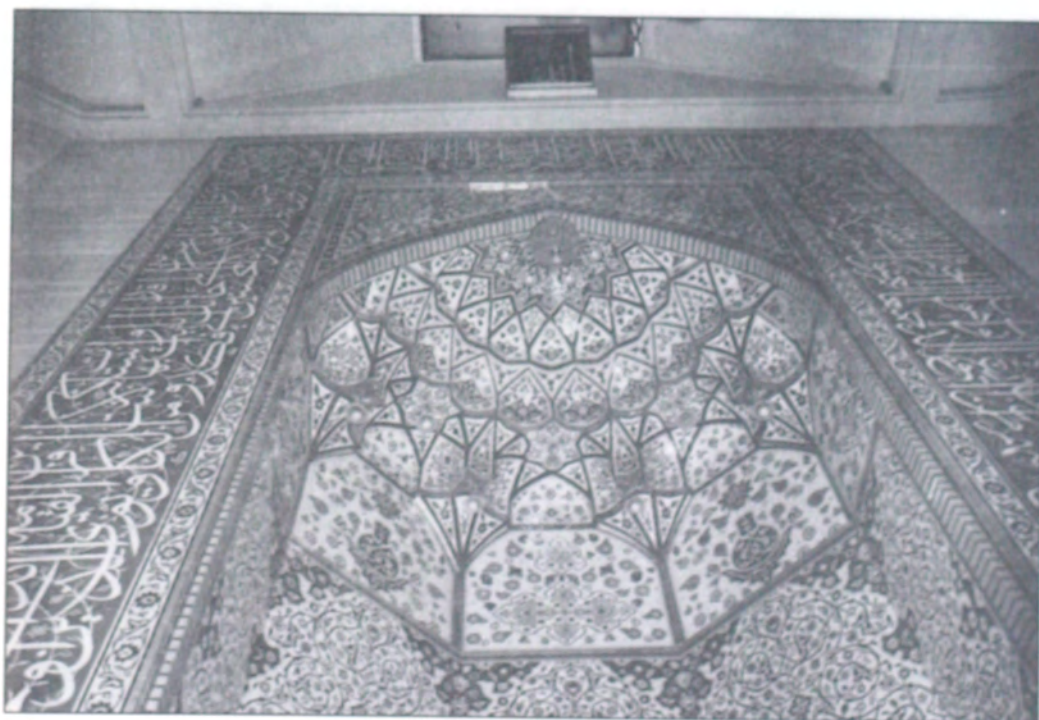
صفحه ۱۰۴

گره چینی (گره سازی):

- محراب مسجد شهید مطهری تهران.
- ایوان و هشتی مسجد موسی بن جعفر (ع) تهران واقع در پل سید خندان.
- بانک بازرگانی سابق (تجارت فعلی) واقع در تهران.

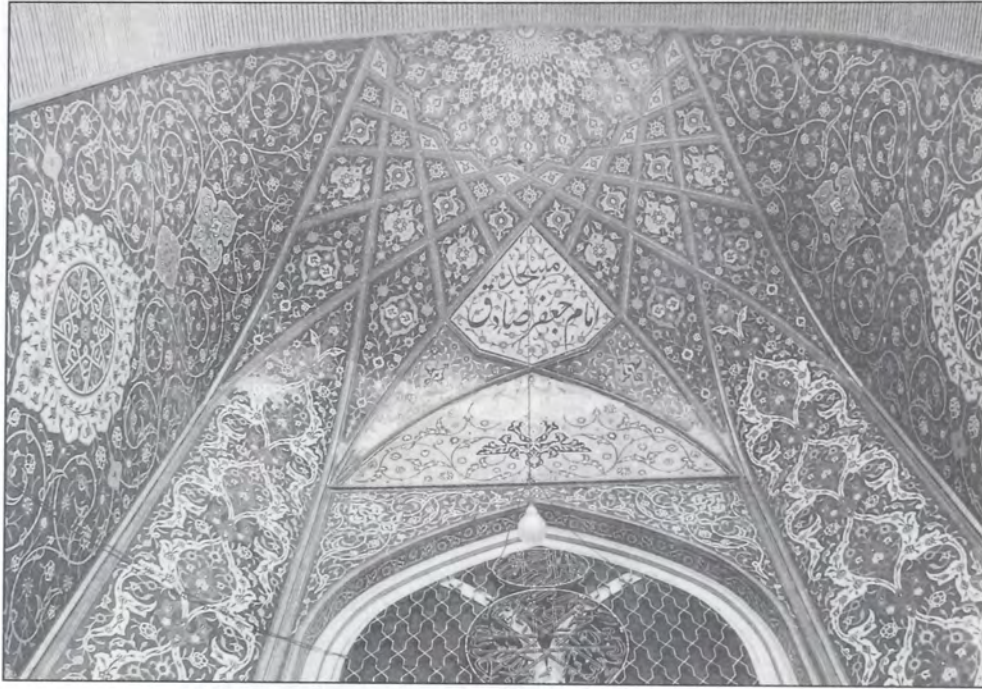
کاربندی:

- محراب و ایوان قبله مسجد شهید مطهری.
- حرم حضرت زینب در دمشق.
- رواق امامزاده حمزه در شاه عبدالعظیم.



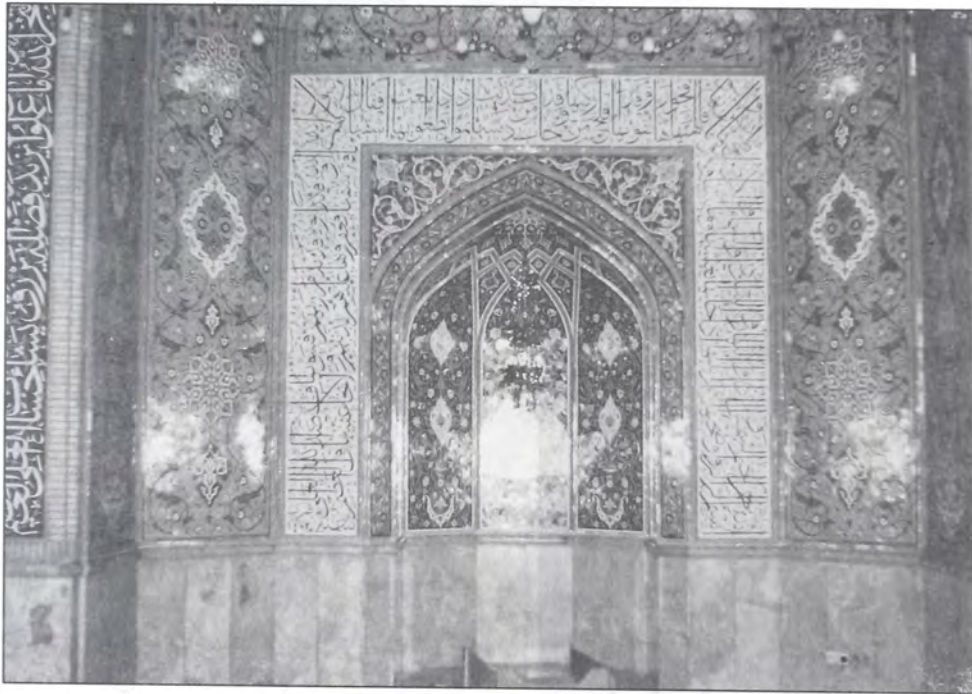
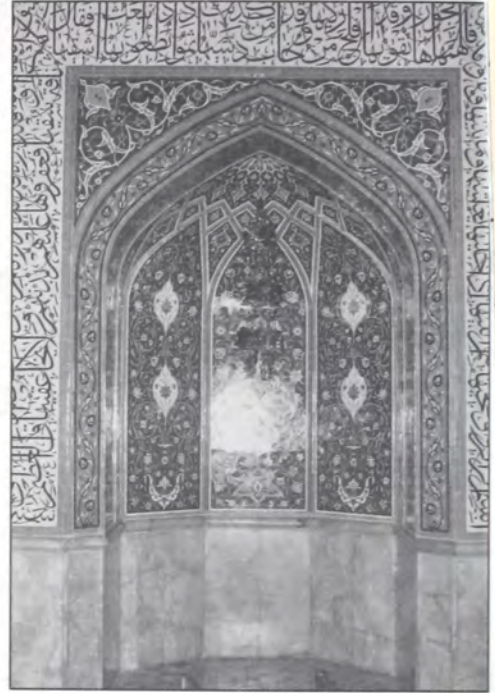
تصویر شماره (۳)

تصویر شماره (۵)



صفحه ۱۰۵

تصویر شماره (۴)



تصویر شماره (۶)

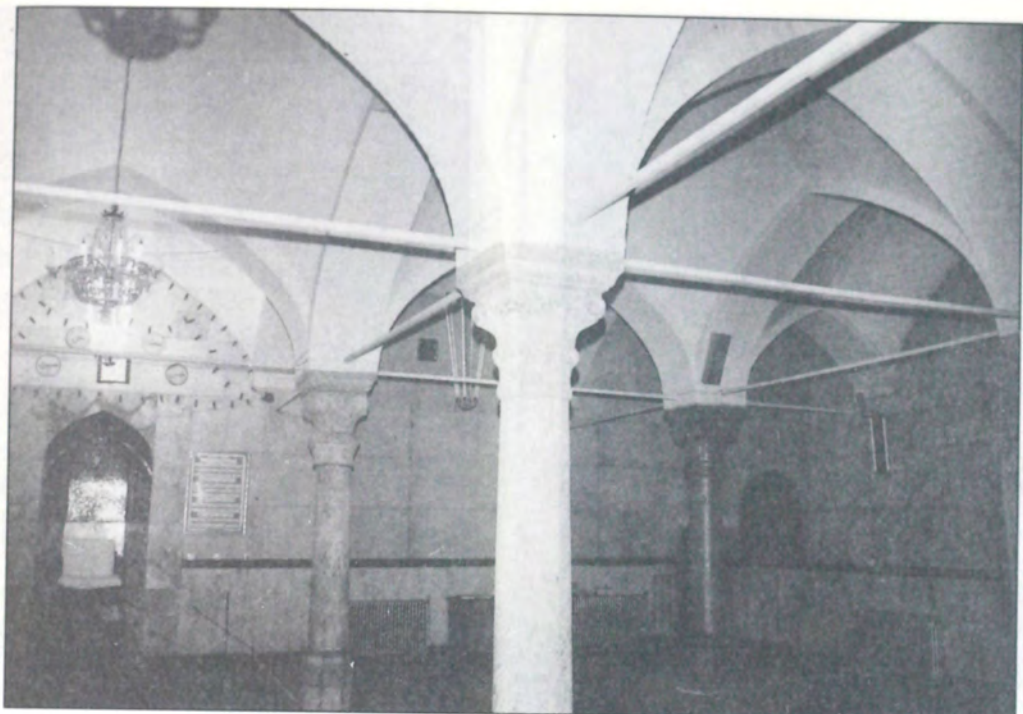
تصویر (۱) و (۲) - سردر مدرسه دارالفنون تهران

تصویر (۳) - محراب مسجد امیرالمومنین (ع).

تصویر (۴) - محراب مسجد امام جعفر صادق (ع) تهران - پل سیدخندان.

تصویر (۵) - ورودی مسجد امام جعفر صادق (ع) تهران - (پل سیدخندان).

تصویر (۶) - محراب مسجد امام جعفر صادق (ع) تهران - پل سیدخندان.



طرح و اجرا:

- مسجد حبیب‌الله توتونچی و مسجد غلامحسین
مذهبی تهران واقع در دروازه قزوین سر چهارراه
ملک.

تعمیرات:

- مقرنس‌های زیرزمین باغ فردوس تهران واقع در
شمیران.
- مسجدی در شیراز.

اجراء:

- مسجد فخریه تهران واقع در خیابان امیریه.
- خانه احمد اخوان در خیابان امیریه چهار راه البرز
(طرح این بنا از آقای مهندس وارطان است). این
بنا در حال حاضر به عنوان کودکستان مورد
بهره‌برداری قرار دارد.
- مسجدی در نیشابور.
- گلدسته‌های حرم مطهر حضرت زینب در سوریه.

تصویر (۱) - شبستان مسجد فخریه، امیریه بالاتر از
میدان منیریه.

تصویر (۲) - بیمارستان کودکان اخوان خیابان امیریه
بالاتر از میدان منیریه (بعد از ساخت بخش‌هایی به بنای
اصلی اضافه شده است).

تصویر (۳) - ورودی جنوبی مسجد مطهری، خیابان
قزوین چهارراه ملک.

تصویر (۴) - محراب مسجد توتونچی، خیابان قزوین،
خیابان غفاری.





۴- ویژگی ها :

استادکاران معماری سنتی، بنابر اعتقادات مذهبی متأثر از شیوه و فضای آموزشی خود خصلت‌های ویژه‌ای داشته‌اند. ذیلاً به برخی از ویژگی‌های استاد محمد اشاره می‌شود :

- مخالفت با اسراف و رعایت تعادل در مصرف مواد و مصالح ساختمانی.
- سحرخیزی و حضور بموقع و مرتب در محل کار.
- داشتن روحیه ابتکار و خلاقیت در کار.

- داشتن قوه تجسم بالا. برای مثال ایشان مقرنس را در پلان ترسیم می‌نمود و سپس به مدد قوه تجسم بالایی که داشت، کار را اجرا می‌کرد.
- دست و دلبازی در آموزش برای کسانی که «اهلیت» داشتند.
- سختگیری شدید در هنگام کار. ایشان حتی نسبت به فرزند خود نیز در حین اجرای کار، بسیار سخت می‌گرفتند و در صورت مشاهده موارد خلاف (مثل اسراف در مصرف مواد و مصالح و...) برخورد فیزیکی می‌کردند.
- تعهد نسبت به صاحب کار. اگر ضمن اجرا، کاری

- خراب می‌شد، آن را جمع و دوباره اجرا می‌کرد.
- مخالفت با معماری جدید و به ویژه شیوه آموزش آن که از اجرا فاصله دارد. نسبت به اجرای برخی از بناهای جدید مثل مساجد الجواد، الغدیر و ... نظر مساعدی نداشت.
- مخالفت با دستگاه دولتی. لذا در طول زندگانی حرفه‌ای خود ابداً به کار دولتی تن درنداد. زیرا معتقد بود آن‌ها چیزهایی از او خواهند خواست که او قادر و مایل به انجام آن نبود.
- ذکر در موقع کار که یادآور سنت آیین‌های جوانمردی در حرف سنتی است.

اشعار، نمونه‌ای از غزلیاتی است که استاد به
هنگام کار روی داربست می‌خوانده‌اند. اصل نوار
کاست که حدود چهار سال پیش ضبط شده، نزد
فرزندان ایشان نگهداری می‌شود.

بسم الله الرمیم یا رمان و یا رمیم	این من و این کربلا و این عترت آل رسول	غیر هفتاد و دو تن در کربلا دیار نیست
گفت شاه تشنه لب ما را شهادت عار نیست	این ره عشق است و راه کوفه و بازار نیست	گفت ای وا مسرتا رفته یاران از برم
نفل تومید فدا را جز شهادت بار نیست	فاش گویم ای جماعت اندرین دشت بلا	یکه و تنها نهادم در میان لشکر
نیست آشوب هر که را سردر فراز دار نیست	کشته می‌کردم من لب تشنه در راه فدا	در کجایی ای ستمکش فواهر غم پرورم
عشق باز کربلا را با سرو سامان چه کار	ظهر فردا از مفای این گروه بدسیاق	زود ماضر کن لباس کهنه‌ای اندر برم
تشنه آب بقا را با نم بارون چه کار	با شما گویم هر آنچه باشدم شرط وفا	هیچکس غیر از تو ما را یاور غمخوار نیست
بلبل بزم بقا را با کل و بستان چه کار	فانه عشق است، ما را با کسی اسرار نیست	زینب غم دیده را چون این ندا آمد بگوش
عاشقان را مَبّ و جاه و مبه و دستار نیست	این بکفتا آستین مرممت بهر مجاب	از بگر آهی کشید و آن زمان رفتی زهوش
من از آن روزی که در کربلا کردم نزول	بر مبین خود نهادی آن شه عالیجناب	ساعت دیگر چو بلبل باز آمد در فروش
ابتدا بار شهادت را به جان کردم قبول	ساعت دیگر که افکند از مبین خود نقاب	گفت ای سالار دین، ای بزم غم را جرعه نوش
هر که را باشد سرریزی اولاد بتول	دید آن جمعی که بودند هم‌رهش از شیخ و شام	شاه را دیگر لباس کهنه‌ای در کار نیست

استاد گرانقدر محمد شعرباف هنگامی که در اواخر بهار سال ۱۳۷۴ مشغول وضو گرفتن سرحوض منزل شخصی خود بودند، زمین می‌خورند و در اثر شکستگی لگن سه ماه در بیمارستان بستری می‌شوند و در اثر این آسیب، به سرای باقی می‌شتابند. آثار فراوانی که محصول خلوص نیت و تبخّر والای اوست در جای جای ایران و حتی خارج کشور برای این نسل به وجه امانت باقی مانده‌اند. امید است، این نسل ضمن فهم و درک مقام ارجدار این هنرمند و استفاده از تجارب او، زمینه انتقال این موارث را به نسل‌های آتی فراهم سازد ●

ترسیم طرح‌های آتی، اثر دست هنرمندانه استاد محمد شعرباف است که به شرح زیر معرفی می‌گردند:

شکل شماره ۱- رسمی بندی، سردر ورودی مسجد امیرالمومنین (ع) واقع در تهران، خیابان کارگر شمالی، (امیرآباد)، خیابان فرصت.

شکل شماره ۲- گره‌چینی (سر مه دان قناس)، دست گردان شده.

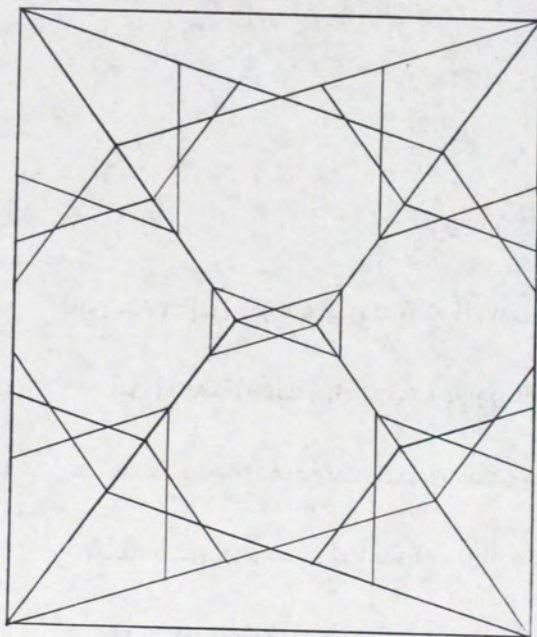
شکل شماره ۳- کاسه سازی، هشتی قسمت ورودی خانم‌ها مسجد فخریه واقع در تهران خیابان امیریه.

شکل شماره ۴- کاسه سازی، زیر گنبد مسجد واقع در کرمانشاه.

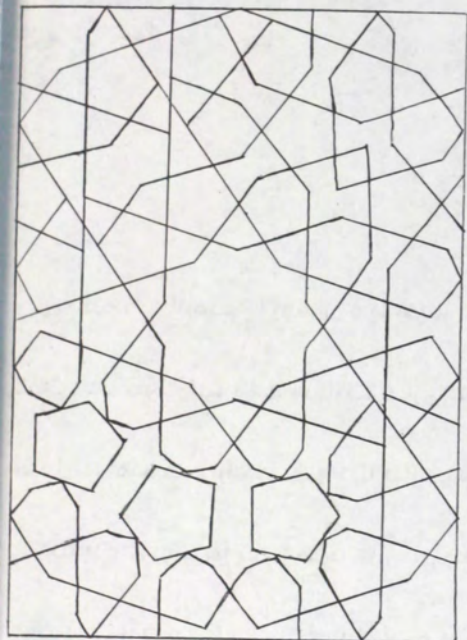
شکل شماره ۵- مقرنس (یک چهارم کار)، ایوان مسجد اعظم قم.

شکل شماره ۶- (وسط)، کاسه سازی ۹ شمشه با ۸ آویز، (کنار) یزدی بندی، زیر ایوان مسجد شهید مطهری واقع در تهران.

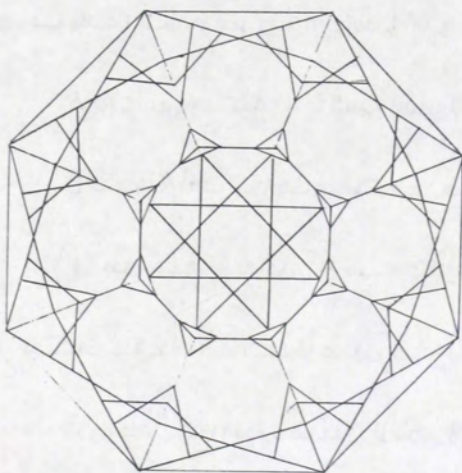
شکل شماره ۱



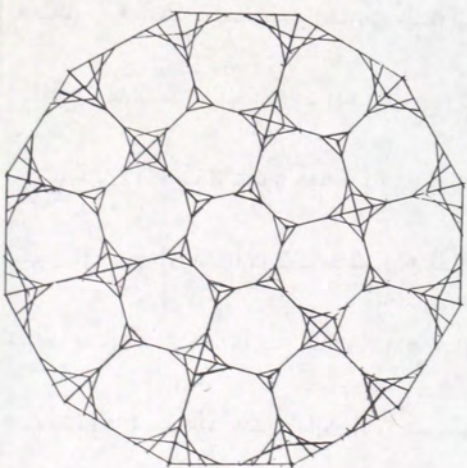
شکل شماره ۲



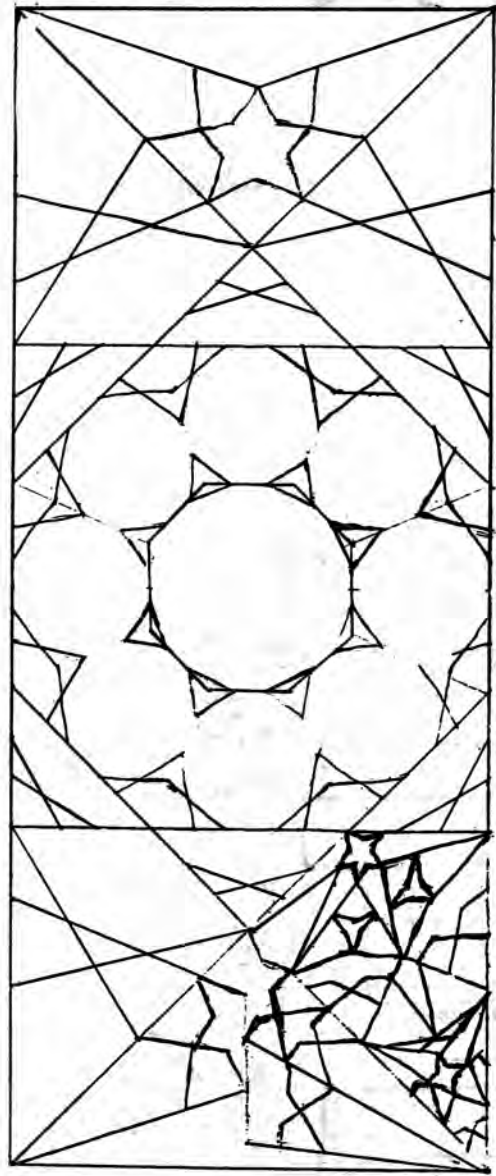
شکل شماره ۳



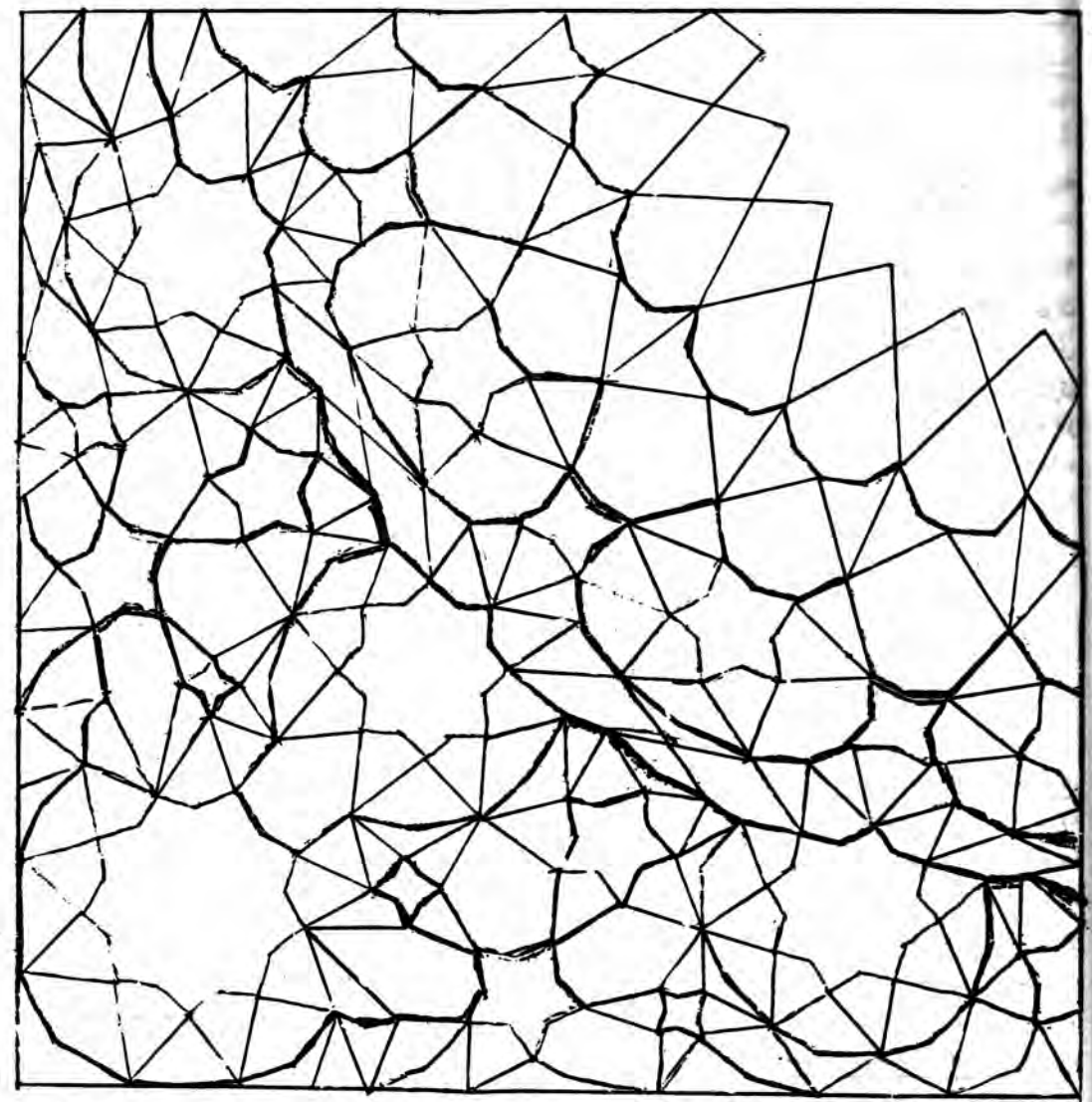
شکل شماره ۴



شکل شماره ۵ و شکل شماره ۶



شکل شماره ۶



شکل شماره ۵